

مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام، سال چهل و سوم، شماره پیاپی ۸۶/۲،  
بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۶۴-۴۷

## خواطر رحمانی و خواطر شیطانی از دیدگاه ملاصدرا<sup>۱</sup>

دکتر رضا اکبری<sup>۱</sup>

دانشیار دانشگاه امام صادق علیه السلام

Email: r.akbari@isu.ac.ir

سید هادی رضائیان

دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق علیه السلام

Email: s.h.rezaiyan@gmail.com

### چکیده

از نظر ملاصدرا، خاطر به مثابه پیام، دارای سه جزء اصلی است: (۱) فرستنده پیام، (۲) محتوای پیام، (۳) گیرنده پیام. خاطر رحمانی پیامی است که از جانب فرشته فرستاده می‌شود و الهام نام دارد و ویژگی آن سوق دهندگی انسان به سوی خیر یعنی به فعلیت رساندن قوا براساس حکم عقل و به طور متعادل است. خاطر شیطانی پیامی است که از جانب شیطان فرستاده می‌شود، وسوسه نام دارد و انسان را به سوی شر سوق می‌دهد؛ به این معنی که باعث می‌شود وی به برخی قوای خود بیشتر پردازد و آنها را به صورت نامتعادل به فعلیت برساند. انسان با جنبه عالی خود که همان مرتبه عقل اوست با ملائکه ارتباط برقرار کرده، خواطر رحمانی دریافت می‌کند و با جنبه سافل خود که همان مرتبه وهم اوست با شیاطین ارتباط برقرار کرده و خواطر شیطانی دریافت می‌نماید. عوامل دریافت خواطر دو دسته‌اند: (۱) عوامل الهی: عامل الهی دریافت خاطر رحمانی توفیق و عامل الهی دریافت خاطر شیطانی خذلان نام دارد؛ (۲) عوامل انسانی: مقصود رفتارها و اعمالی است که اگر نیکو بوده و براساس عقل باشد انسان را مستعد پذیرش خواطر رحمانی می‌کند و اگر ناپسند بوده و براساس شهوت و وهم باشد نفس انسانی را آماده پذیرش خواطر شیطانی می‌نماید.

**کلید واژه‌ها:** ملاصدرا، خواطر رحمانی، خواطر شیطانی، توفیق، خذلان، اصالت وجود،

تشکیک وجود ربطی، وجود مطلق، وجوب وجود.

\*. تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۸/۱۵؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۲/۱۰

۱- نویسنده مسئول

## مقدمه

ملاصدرا به عنوان یک فیلسوف نوپرداز با حفظ سنت‌های پیشین و استفاده از دستاوردهای معرفتی فلاسفه پیش از خود توانست مکتبی فکری را سامان دهد که عقل و نقل را به گونه‌ای تبیین کند تا سازگاری آنها در بالاترین سطح رخ نماید. وی توانست با مبانی فلسفی خود بسیاری از غوامض معرفتی دین را تبیین کند. مباحث وی در حوزه‌های متعدد به خصوص خداشناسی و معاد علی رغم تمام اشکال‌هایی که در باره آنها وجود دارد، تلاش گرانقدری است که به این شکل در مکتب‌های فکری قبل از او مشاهده نمی‌شود.

این مقاله با توجه به جایگاه این فیلسوف بزرگ اسلامی بر آن است تا خواطر رحمانی و خواطر شیطانی را از دیدگاه او مورد بررسی قرار دهد.<sup>۱</sup> ذکر این نکته ضروری است که طرح بحث خواطر فقط مربوط به ملاصدرا نیست بلکه این مسئله در متون دینی<sup>۲</sup> و مباحث عرفانی نیز مطرح شده است. (نک: غزالی، *قانون التأویل*، ص ۸۴-۸۵؛ همو، *احیاء علوم الدین*، در جاهای مختلف خصوصاً ج ۸، صص ۷۶-۸۰، ابن عربی، *فتوحات مکیه*، ج ۲، صص ۵۶۴-۵۶۷؛ سهروردی، *عوارف المعارف*، صص ۴۵۹-۴۶۷)<sup>۳</sup> در کتب عرفانی، بیشتر، مسئله نفی خواطر مورد توجه قرار گرفته است. سالک بایستی با استفاده از راهکارهای ارائه شده، خواطر شیطانی را نفی کرده تا زمینه

۱- ذکر این نکته در آغاز مقاله لازم است که ملاصدرا در بسیاری از مسائل مطرح شده در باره خواطر متأثر از فخر رازی است. در خصوص دیدگاه‌های فخر رازی در باره خواطر نک: *الرازی، التفسیر الکبیر*، ج ۱، صص ۸۴-۸۸؛ ج ۵، ص ۳۰۵.

۲- برای مثال می‌توان به بابی با عنوان وسوسه و حدیث نفس در اصول کافی اشاره کرد. نک: کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۴۲۴. همچنین برای یک نمونه دیگر نک: کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۳۵۸.

۳- بررسی دیدگاه هر یک از اندیشمندان ذکر شده، خصوصاً غزالی که می‌توان او را در این عرصه پیشرو دانست، نیازمند مقاله‌ای جداگانه است که تلاش محققان گرامی در این عرصه را می‌طلبد.

برای دریافت خواطر رحمانی که داعی به سوی امور خیر است فراهم شود. در متون دینی نیز غالباً ذیل مباحث حضور قلب و تمرکز در عبادات به موضوع خواطر پرداخته شده است. در اینجا انسان باید اندیشه‌های ناپاک و گناه آلود را از خود دور کرده و مشغول به ذکر خداوند شود تا اندیشه‌های نیک که داعی به سوی اعمال صالح است در او تقویت گردد. (آمدی، *غررالحکم و دررالکلم*، ص ۱۸۶)<sup>۱</sup>

ملاصدرا بحث خواطر را در کتاب‌های متعددی مطرح کرده است (برای نمونه نک: ملاصدرا، *مفاتیح الغیب*، صص ۱۵۹، ۱۵۴، ۱۶۰، ۶۸۲، ۱۷۹؛ *همو، المبدأ و المعاد*، ص ۲۰۲، ۲۰۰، ۱۹۹؛ *همو، أسرار الآیات*، ص ۲۳۱؛ *همو، کسرالاصنام الجاهلیه*، ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۲۰؛ *همو، الحکمۃ المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، ج ۹، ص ۳۳۷). هر چند که این موضوع در آثار او بیشتر در مباحثی آمده که رنگ و بوی عرفانی یا دینی دارد.

اهمیت پی گیری بحث خواطر در اندیشه ملاصدرا هنگامی بیشتر رخ می‌نماید که بدانیم از نظر ملاصدرا بحث خواطر با تبیین دو مسأله جبر و اختیار و معاد کاملاً مرتبط است. در مقام تبیین نحوه انجام فعل است که در می‌یابیم خواطر جایگاه مهمی در این حیطه دارد. ملاصدرا در مقام تبیین فعل انسان، آن را دارای مراحل متعدد می‌داند. از نظر او ابتدا خاطر (تصویر ذهنی فعل) رغبت را تحریک می‌کند و سپس رغبت عزم و نیت را به حرکت وامی‌دارد و پس از آن، نیت، اعضا را به حرکت می‌آورد (ملاصدرا، *مفاتیح الغیب*، ص ۱۵۴). بر این اساس، سر حلقه این سلسله، خاطر می‌باشد (ملاصدرا، *المبدأ و المعاد*، ص ۲۰۰) و همین خاطر است که نوع فعل انسان را تعیین می‌کند (ملاصدرا، *مفاتیح الغیب*، ص ۱۵۴). از آن جا که این مراحل بر یکدیگر مترتب هستند،

۱- به دو حدیث از امیرالمؤمنین علیه السلام که آمدی آورده است اشاره می‌کنیم: هر که در معاصی زیاد اندیشه کند، کثرت اندیشه در گناهان او را به سوی گناهان خواهد کشید؛ هر که در لذتها زیاد اندیشه کند، لذتها بر او غالب می‌آیند.

می‌توان به وسیله تبیین کیفیت حصول خواطر، فعل انسان را جبری یا اختیاری دانست. در خصوص ارتباط خواطر با معاد از دیدگاه ملاصدرا نیز به طور خلاصه می‌توان گفت که تکرار خواطر و به تبع آن تکرار افعال انسانی باعث می‌شود که ملکاتی در انسان بر اساس همان خواطر تکرار شده و اعمال مطابق آن ایجاد شود. در دیدگاه ملاصدرا، حشر و بعث نفوس در قیامت بر اساس ملکاتی است که در دنیا کسب شده و سعادت و شقاوت اخروی انسان‌ها براساس این ملکات رقم می‌خورد (ملاصدرا، *مفاتیح الغیب*، ص ۶۴۰؛ همو، *الشواهد الربوبیه*، ص ۲۸۸ و ۳۲۹؛ همو، *عرشیه*، ص ۲۶۰؛ همو، *الحشریه*، ص ۲۴۱ و ۲۴۲). بنابراین ملاصدرا معاد هر شخص را بر اساس ملکاتی می‌داند که آن شخص به واسطه تکرار متعلق خواطر در دنیا به دست آورده است (ملاصدرا، *مفاتیح الغیب*، ص ۱۵۳).<sup>۱</sup>

با توجه به اهمیت مسئله خواطر در اندیشه ملاصدرا، این مقاله در سه مرحله، دیدگاه ملاصدرا را در این باره بیان کرده است: مرحله اول شامل گام‌هایی است که در جهت تبیین معنای دقیق و واضح خواطر از دیدگاه ملاصدرا برداشته خواهد شد چرا که ورود در هر مساله‌ای منوط به ارائه تصویری دقیق از مفاهیم مورد نظر است. در مرحله دوم به این نکته خواهیم پرداخت که نحوه دریافت خواطر و ادراک آنها از سوی انسان چگونه است. به عبارت دیگر، در این بخش در مورد کیفیت حصول خواطر برای انسان بحث خواهیم کرد. در مرحله سوم به بررسی عوامل دریافت خواطر از سوی انسان خواهیم پرداخت و سعی خواهد شد به این سؤال پاسخ گفته شود که چه عواملی سبب دریافت خواطر رحمانی و خواطر شیطانی می‌شود. بنابراین، مقاله پیش رو در صدد پاسخگویی به سه سؤال اساسی در مورد خواطر از دیدگاه ملاصدراست:

۱- توضیحات بیشتر را در باره معاد و ارتباط آن با ملکات در کتاب جاودانگی در ذیل مدل افلوطینی - اشراقی ملاحظه کنید: اکبری، جاودانگی.

- ۱- معنای دقیق خواطر رحمانی و خواطر شیطانی .
- ۲- چگونگی دریافت خواطر رحمانی و خواطر شیطانی.
- ۳- عوامل دریافت خواطر رحمانی و خواطر شیطانی.

### ۱. معنا شناسی خواطر رحمانی و خواطر شیطانی

با مراجعه به آثار ملاصدرا درمی یابیم که خاطر به مثابه یک پیام از سه جزء اصلی تشکیل شده است: ۱. فرستنده پیام؛ ۲. محتوای پیام؛ ۳. گیرنده پیام (ملاصدرا، مفاتیح الغیب، ص ۱۵۴). برای وصول به معنایی دقیق از خواطر در دیدگاه ملاصدرا بایستی این سه جزء مورد بررسی قرار گیرد تا از خلال تحلیل این سه جزء به عنوان اجزای اصلی خواطر، به معنای مورد نظر ملاصدرا برسیم. از آنجا که گیرنده پیام انسان است و در این مقام نیاز به توضیح بیشتر ندارد ما فقط به دو جزء دیگر می پردازیم و از این پس نیز به جای واژه خاطر از واژه پیام استفاده می کنیم.

۱-۱. فرستنده پیام: از دیدگاه ملاصدرا فرستنده پیام اهمیت به سزایی دارد چرا که نوع پیام بسته به این که از چه منبعی فرستاده شود، شیطانی یا رحمانی می باشد. توضیح ملاصدرا چنین است که خواطر امور حادث هستند و به حکم نیازمندی هر حادثی به علت، خواطر نیز نیازمند علت هستند. اما علت خواطر چیست؟ روشن است که خواطر متفاوت از یکدیگرند. برخی دعوت کننده انسان به خیر و برخی دیگر دعوت کننده او به بدی هستند. ملاصدرا دسته اول خواطر را الهام و دسته دوم را وسوسه می نامد. در جایی که دو امر حادث اختلاف داشته باشند علت آنها نیز متفاوت خواهد بود. از همین روی است که در علل خواطر نیز تفاوت وجود دارد. ملاصدرا بیان می کند که اختلاف دو امر حادث، گاه در امور عرضی است و گاه در امور مقوم. روشن است که بنا به مسلک فلسفی، اختلاف در امور عرضی از ناحیه علت قابل است ولی اختلاف در امور

مقوم در ناحیه علت فاعلی. حال سؤال این است که اختلاف الهام و وسوسه در کدام ناحیه است. آیا در ناحیه امور عرضی است یا در ناحیه امور مقوم؟ از آنجا که خیر و شر در الهام و وسوسه موضوعیت دارند و اختلاف خیر و شر اختلاف حقیقی است اختلاف الهام و وسوسه نیز اختلاف حقیقی خواهد بود که نشانگر اختلاف در اسباب فاعلی آنها می‌باشد. وصول به این اختلاف در ناحیه فاعل خواطر این اجازه را به ملاصدرا می‌دهد تا علت فاعلی الهام و وسوسه را دو موجود متفاوت یعنی فرشته و شیطان معرفی کند. (ملاصدرا، *مفاتیح الغیب*، صص ۱۵۴ و ۱۵۵؛ همو، *المبدأ والمعاد*، صص ۲۰۰ و ۲۰۱) با این بیان، اجمالاً این تعریف برای خاطر حاصل می‌شود:

خاطر رحمانی پیامی است که از جانب فرشته (ملک) القا می‌شود و الهام نام دارد و خاطر شیطانی پیامی است که از سوی شیطان فرستاده می‌شود و وسوسه نامیده می‌شود. ملاصدرا با این توضیح تعریفی از فرشته و شیطان را نیز در اختیار ما قرار می‌دهد. فرشته یک جوهر نورانی است که خداوند آفریده است و شأن او افاضه خیر، افاده علم، کشف حقیقت و وعده به معروف است که خداوند او را برای این کار مسخر نموده است. در مقابل شیطان، جوهری ظلمانی است که شأن آن ضد فرشته است و کارش وعده به شر، امر به منکر و ترساندن انسان از اموری همچون فقر در زمانی است که شخص عزم بر انجام کار نیک دارد.<sup>۱</sup> (ملاصدرا، *مفاتیح الغیب*، ص ۱۵۴)

۲-۱. **محتوای پیام:** فرشته و شیطان کدام ویژگی را به پیام می‌دهند که پیام یکی وسوسه و پیام دیگری الهام می‌شود؟ با مراجعه به آثار ملاصدرا در می‌یابیم که فرشته ویژگی سوق دهندگی به خیر را به پیام می‌دهد و پیام را به گونه ای شکل می‌دهد که انسان را به سوی خیرات متمایل می‌سازد و شیطان ویژگی سوق دهندگی به شرور را

۱- ان شاء الله به زودی مقاله‌ای از رضا اکبری و محمدهادی محمودی با عنوان فرشته شناسی در اندیشه ملاصدرا منتشر خواهد شد که به توضیح مباحث ملاصدرا در باره فرشتگان اختصاص دارد.

به پیام می‌دهد و باعث می‌شود که انسان به سمت شرور میل یابد (ملاصدرا، المبدأ والمعاد، ص ۲۰۰). بنابراین، با تحلیل محتوای پیام در این گام، به معنایی واضح‌تر از خواطر رحمانی و خواطر شیطانی می‌رسیم:

خواطر رحمانی پیام‌هایی است که از سوی فرشته به انسان القا می‌شود و سوق دهنده انسان به سوی خیرات است و خواطر شیطانی پیام‌هایی است که از سوی شیطان فرستاده می‌شود و انسان را به سوی شرور سوق می‌دهد. (ملاصدرا، مفاتیح الغیب، ص ۱۴۱)<sup>۱</sup>

همان گونه که مشهود است ملاصدرا در این تعریف از دو واژه خیر و شر استفاده نموده است. این مسئله بدین معنا است که رسیدن به فهم دقیق از مقصود ملاصدرا در باره خواطر رحمانی و شیطانی منوط به توضیح در باره خیر و شر از دیدگاه او خواهد بود.

از نظر ملاصدرا کاربرد دو واژه خیر و شر در مورد انسان ما را با قوای نفس مرتبط می‌کند. از نظر او خیر هر قوه کمال آن قوه، و شر آن عدم این کمال است. کمال هر قوه ادراک ملائم طبع آن قوه و نقصش ادراک منافی طبع آن می‌باشد (ملاصدرا، مفاتیح الغیب، ص ۵۸۶؛ همو، الحاشیة علی الهیات الشفاء، صص ۱۶، ۱۷۴؛ همو، شرح الهدایة الاثیریة، ص ۴۰۰؛ همو، کسر الاضنام الجاهلیة، ص ۱۶۴). مثلاً کمال و خیر قوه باصره،

۱- ملاصدرا در صفحه ۱۵۴ مفاتیح الغیب نکته مهمی را در اختیار ما قرار می‌دهد و آن تعریف غایت‌گرایانه از خیر و شر است ولی نه از نوعی که در میان افرادی همچون هابز یا جان استوارت میل یا بنتام مشاهده می‌شود. در نظریات افراد نامبرده غایت به صورت فردی یا جمعی اما از نوع دنیایی در نظر گرفته می‌شود در حالی که ملاصدرا از غایت اخروی سخن می‌گوید. خیر آن است که در آخرت سودمند باشد و شر آن است که در آخرت مضر باشد. با تحلیل امر سودمند و امر مضر در آخرت نکات دیگری نیز در اندیشه ملاصدرا قابل دریافت است که البته مجال مستقل خود را طالب است. الخواطر المحرکه للربغیة تنقسم إلى ما يدعو إلى الشر أعنی ما یضر فی العاقبة و إلى ما يدعو إلى الخیر أعنی ما ینفع فی الدار الآخرة

ادراک جلوه‌ها و تصاویر مطبوع است و شر آن ادراک امور منافی و آزار دهنده و ناپسند؛ و کمال و خیر قوه سامعه شنیدن آوازه‌ها و صداهای خوش است و شر آن شنیدن صدای گوشخراش و ....<sup>۱</sup> به بیان دقیق‌تر، کمال و خیر هر قوه ادراک امر ملائم طبع آن قوه است و شر آن عدم ادراک امر ملائم طبع آن قوه است. مورد اخیر اعم است از این که آن قوه امری منافی با طبع را ادراک کند (مثلاً قوه ذائقه، یک طعم تلخ یا شور را ادراک کند) یا این که به سبب مانعی آن کمال را ادراک نکند در عین اینکه امر منافی را نیز ادراک نمی‌کند (مانند شخص مبتلا به سرماخوردگی که ذائقه اش توان ادراک طعم خوش غذاهای مطبوع را ندارد در حالی که امر منافری را نیز ادراک نمی‌کند).

با این توضیح از خیر و شر، معنای خواطر وضوح بیشتر می‌یابد:

الهام پیامی است که از جانب فرشته القا می‌شود و انسان را به سوی کمال قوا سوق می‌دهد و وسوسه پیامی است که از ناحیه شیطان القا می‌شود و انسان را به سمت کمال قوا سوق نمی‌دهد بلکه او را از نیل به کمالش باز می‌دارد.

اما هنوز تعریف ملاصدرا از الهام و وسوسه دقیق نشده است. تعریف خیر و شر نشان داد که ملاصدرا در تعریف آنها به تعدد قوای نفس توجه دارد و خیر و شر را در ارتباط با هر قوه مطرح می‌کند. لذا ما نیاز داریم که به این مهم توجه کنیم. ملاصدرا مطالب متعددی در باره تعدد قوای نفس ارائه می‌کند که ذکر آنها ما را از موضوع اصلی مقاله دور می‌کند.<sup>۲</sup> مهم در اینجا آن است که بدانیم با توجه به تعدد قوای نفس و

۱- ملاصدرا در این مسئله متأثر از ابن سینا است هرچند که در مبانی نفس شناسی با او موافقت چندانی ندارد. برای توضیح در باره دیدگاه ابن سینا نک: اکبری، جاودانگی، ص ۱۴۹؛ همو، تصویر زندگی پس از مرگ در فلسفه ابن سینا، صص ۱۴-۱۶.

۲- برای آشنایی با نظرات ملاصدرا در باره تعدد قوای نفس برای نمونه نک: ملاصدرا، مفاتیح الغیب، صص ۱۵۲، ۱۱۵، ۲۱۰؛ همو، الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعه العقلیة، ج ۹، صص ۹۳ و ۱۰۴؛ همو، الشواهد الربوبیة، صص ۲۰۰-۱۹۹ و ۲۷۷؛ همو، المبدأ المعاد، ص ۲۵۸؛ همو، اسرار الایات، صص ۱۳۴ و ۱۳۵.



ارتباط کمال هر قوه با آن قوه، کمال قوا متعدد است و این نکته‌ای است که ملاصدرا خودش متذکر شده است (برای نمونه نک: ملاصدرا، *مفاتیح الغیب*، ص ۱۵۲؛ همو، *الشواهد الربوبیه*، ص ۳۴۱؛ همو، *المبدا و المعاد*، ص ۴۸۰؛ همو، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه العقلیه*، ج ۹، ص ۱۲۶). کمال قوه باصره دیدن مناظر دلپذیر است؛ کمال قوه عقلی ادراک کلیات است و .... سؤال طبیعی آن است که چگونه انسان قادر به تحصیل کمال تمام قوای خود می‌باشد. آیا مثلاً زیاد پرداختن به کمال قوای حسی کمال انسان محسوب می‌شود یا این که با توجه به محدود بودن توان انسان بایستی هر یک از قوا به اندازه‌ای خاص تکامل یابند؟ مراجعه به آثار ملاصدرا معلوم می‌سازد که او بر آوردن خیر هر قوه ای را تا اندازه‌ای کمال انسان می‌داند که مانع از رسیدن قوای دیگر به کمالشان نشود. لذا اگر پرداختن انسان به یک قوه باعث غفلت او از دیگر قوا شود گرچه برای آن قوه خاص کمال است لیکن برای انسان که دارای قوای متعدد است کمال محسوب نمی‌شود. ملاصدرا نتیجه می‌گیرد که رشد متعادل قوای انسان سبب وصول انسان به کمال می‌شود و این تعادل از طریق رشد قوای انسان تحت نظارت قوه عاقله میسر می‌شود. نتیجه نهایی این که کمال انسان رشد متعادل همگی قوای او تحت نظارت عقل می‌باشد (ملاصدرا، *مفاتیح الغیب*، ص ۱۸۰ و ۱۸۱؛ همو، *الشواهد الربوبیه*، ص ۲۹۰؛ همو، *اسرار الایات*، ص ۱۹۰؛ همو، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه العقلیه*، ص ۲۸۴).

حال می‌توانیم تعریف خود را از الهام و وسوسه کمی دقیق‌تر کنیم:  
 الهام پیامی است که از سوی فرشته به انسان القا می‌شود و او را به سوی خیرات سوق می‌دهد به این معنا که باعث می‌شود وی تمام قوایش را به طور متعادل یعنی تحت نظارت عقل رشد دهد و وسوسه پیامی است که از سوی شیطان فرستاده می‌شود

و انسان را به سوی شرور سوق می‌دهد به این معنا که باعث می‌شود توجهش به یک یا چند قوه بیش از قوای دیگر باشد و قوای خود را بطور نامتعادل رشد دهد یعنی قوای خود را تحت نظارت عقل به تکامل نرساند.

با توجه به معنای ارائه شده از خواطر، سوق دهندگی در آن، با حرکت جوهری انسان پیوند می‌یابد لذا خواطر در رشد و تکامل وجودی انسان تاثیر به سزایی دارند. اگر تکامل وجودی انسان به معنای خروج تمام قوای او از قوه به فعلیت باشد که از طریق ادراک خیرات مخصوص به هر یک می‌باشد، عدم خروج برخی از این قوا به فعلیت به معنای نقص آن و عدم تکامل آنهاست. بر این اساس، الهام پیامی است که باعث تکامل وجودی انسان و حرکت او از نقص به کمال می‌شود و وسوسه پیامی است که مانع تکامل وجودی و به فعلیت رسیدن تمام قوای او می‌گردد.

یک ویژگی مهم، میان الهام و وسوسه مشترک است؛ همان ویژگی که از آن با عنوان خاطر یاد می‌کنیم. مقصود از خاطر در اندیشه ملاصدرا آن دسته از ادراکاتی است که بر نفس عارض می‌شود و این عروض می‌تواند عروض جدید یا به یاد آوری ادراکی باشد که از پیش در ذهن خود داشته‌ایم. وجه تسمیه این ادراک حادث در نفس نیز به این علت است که این ادراکات بعد از آن که قلب از آنها غافل بوده است در ذهن خطور می‌کند. (ملاصدرا، مفاتیح الغیب، ص ۱۵۴)

## ۲. چگونگی دریافت خواطر توسط انسان

ملاصدرا بر اساس دو اصل اصالت وجود و ذومراتب بودن وجود قائل است که وجود دارای ظهور و بطون متعدد است. بنابراین برخی از مراتب وجود باطنی‌تر از برخی دیگر است. بر این اساس، انسان برای ارتباط با جنیان و ملائکه که مربوط به مراتب درونی‌تر عالم هستند به قوایی ادراکی نیاز دارد که به واسطه آنها بتواند با مراتب

درونی‌تر وجود ارتباط یابد. این قوا نسبت به قوای مربوط به امور مادی درونی‌ترند. ملاصدرا این قوا را قوای واهمه و عاقله می‌داند. او معتقد است که به خاطر سنخیتی که شیطان با وهم، و ملک با عقل دارد، انسان با قوه واهمه خود با شیطان ارتباط برقرار کرده و خواب‌های شیطنی را درک می‌کند و به وسیله قوه عاقله با ملائکه مرتبط شده و قادر به دریافت خواب‌های رحمانی می‌شود. (ملاصدرا، *مفاتیح الغیب*، ص ۱۶۳-۱۶۴) از نظر ملاصدرا قوه عاقله قسمت راست نفس و قوه واهمه قسمت چپ آن است. از آنجا که در مقام حرکت جوهری نفس مرتبه عاقله رتبه بالاتری نسبت به قوه واهمه دارد طبیعی است که ارتباط با ملائکه با قوه عاقله و ارتباط با شیاطین که از جنیان‌اند و رتبه وجودی پایین‌تری نسبت به ملائکه دارند با قوه واهمه حاصل شود.

### ۳. عوامل دریافت خواب‌های رحمانی و خواب‌های شیطنی

پس از بحث درباره معنای خواب‌ها و کیفیت دریافت آنها از سوی انسان بحث از این نکته ضروری به نظر می‌رسد که چرا برخی از انسان‌ها مستعد قبول خواب‌های رحمانی هستند و برخی دیگر خواب‌های شیطنی را می‌پذیرند. ملاصدرا در مواضع متعددی از کتب خود به بحث در این مورد می‌پردازد و به طور پراکنده به این عوامل اشاره می‌کند. به طور کلی می‌توان این عوامل را به دو دسته تقسیم نمود:

۱- عوامل الهی

۲- عوامل انسانی

ملاصدرا از عوامل الهی به توفیق و خذلان یاد می‌کند. وی لطفی را که قلب به واسطه آن آماده پذیرش خواب‌های رحمانی می‌گردد، توفیق می‌نامد که از جانب پروردگار نصیب شخص می‌شود و اموری را که باعث آمادگی قلب جهت پذیرش خواب‌ها

شیطانی می‌گردد خذلان می‌داند<sup>۱</sup> (ملاصدرا، *مفاتیح الغیب*، صص ۱۵۴-۱۵۵؛ همو، *المبدأ والمعاد*، ص ۲۰۰). این که کدام یک از این دو عامل الهی نصیب انسان شود، ارتباط مستقیم با کیفیت عمل انسان دارد لکن از آن حیث که منشأ این دو خارج از انسان و مرتبط با خداوند است، عوامل الهی نامیده شده‌اند.

آیا توفیق و خذلان الهی بر اساس عمل انسان نصیب او می‌شود، یا این که ناظر به اموری غیر مرتبط با عمل اوست؟ از گفته‌های ملاصدرا نمی‌توان پاسخ واضح و روشنی برای آن پیدا کرد ولی به دلالت غیر مستقیم شاید بتوان گفت که از دیدگاه ایشان این دو عامل با عمل انسان ارتباط دارد<sup>۲</sup> ولی باز هم کیفیت این ارتباط همچنان مبهم باقی می‌ماند.

ملاصدرا در مقام بیان عامل انسانی پذیرش خواطر، بیان‌های متعددی دارد ولی می‌توان جامع مشترک همه آنها را این گونه بیان کرد:

انسان براساس خلقت خداوند دارای دو وجه می‌باشد: وجه عالی که رو به عالم ملکوت است و وجه سافل که ناظر به عالم ملک و شهادت است (ملاصدرا، *مفاتیح الغیب*، ص ۱۵۲). وجه عالی انسان که به عالم ملکوت ناظر است، مرتبه عقل است یعنی مرتبه ای که انسان در آن مرتبه قادر به ادراک کلیات است، و وجه سافل انسان که همان مرتبه وهم او است، مدرکات آن نه به حساست عالم حس است و نه مانند امور عقلی، کلی است و در این مرتبه نفس انسانی فقط قادر به درک معانی جزئی می‌باشد. (ملاصدرا، *مفاتیح الغیب*، صص ۱۳۶، ۱۳۹؛ همو، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه*، ج ۸؛ ص ۲۱۵؛ همو، *الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة*، ص ۱۹۴).

ملاصدرا در تبیین بیشتر چگونگی تاثیرگذاری این دو عامل در پذیرش خواطر

۱- البته ملاصدرا در کتاب *المبدأ و المعاد* (ص ۲۰۰) از تعبیر اغواء نیز استفاده کرده است

۲- توضیحات ادامه مقاله این مطلب را روشن‌تر خواهد ساخت.

می‌افزاید که وقتی انسان به جنبه‌ عالی خود مشغول شود زمینه پذیرش خواطر رحمانی را پیدا می‌کند. توضیح این که وقتی انسان از سیطره و هم خود خلاصی می‌یابد و افعال او متناسب با مرتبه عقل می‌شود به تدریج با ملائکه ارتباط برقرار کرده و پذیرای خیرات از سوی موجوداتی که برای افاضه خیرخلق شده‌اند، می‌گردد. لازم به ذکر است که ملائکه فقط با مرتبه عقل انسان سنخیت دارند و فقط با انسان در این مرتبه می‌توانند ارتباط برقرار نمایند و علت عدم خطا و گناه آنان نیز همین است که به جز عقل قوه مدرک دیگری که زمینه گناه و خطای آنان را فراهم آورد ندارند. اما اگر انسان به مرتبه و هم اکتفا کرده و براساس آن عمل کند به تدریج وجود او مرتع و جولانگاه شیاطین می‌گردد، موجوداتی که فقط دارای قوه واهمه هستند و فقط با این مرتبه وجودی انسان سنخیت دارند. شیاطین با القای وساوس باعث خروج انسان از صراط عقل که همان اعتدال است می‌گردند و او را از رسیدن به کمال لایق خودش محروم می‌کنند (ملاصدرا، مفاتیح الغیب، صص ۱۶۰-۱۶۱؛ همو، المبدأ والمعاد، ص ۲۰۱).

ملاصدرا خطاهای انسان را در مقام ادراک تماماً مربوط به شبهاتی می‌داند که از جانب شیاطین القا می‌شود و تنها راه مبارزه با آنها مسلح شدن انسان به ابزار برهان است (ملاصدرا، مفاتیح الغیب، ص ۱۶۰).

از نظر ملاصدرا رابطه عوامل الهی و انسانی پذیرش خواطر، رابطه‌ای متقابل است با این توضیح که فضل تقدم با عوامل انسانی است. دلیل این مدعا آن است که ملاصدرا انسان را در ابتدای خلقت واجد دوقوه فرشته خو شدن یا شیطان صفتی می‌داند که با اعمال خود یکی از اینها را به فعلیت می‌رساند. اگر انجام اعمال قبیح را پیشه کند و در شهوت و غضب فرو رود و مبنای افعالش احکام جزئی وهمی باشد، رفته رفته قلبش دچار کدورت شده و بیش از پیش مستعد پذیرش خواطر شیطانی می‌شود و هر چه در این مسیر سرعت بیشتری یابد وسوسه‌های شیطانی بیشتر شده و این وسوسه‌ها سرعت خوض او را در شهوت و غضب و مقتضیات وهم بیشتر کرده و بیشتر باعث سقوط او

می‌شود. نفس انسانی هر چه بیشتر در شهوت و وهم غرق شود، بیشتر مستعد خذلان می‌گردد امری که باعث ورود بیشتر خواطر شیطانی گشته و این خواطر نیز او را بیشتر و بیشتر از مسیر رشد و تکامل که همان اعتدال است، منحرف می‌نماید. از سوی دیگر چنانچه فرد انسانی رفتار نیکو را پیشه کند و براساس حکم عقل عمل کرده و اسیر وهم و شهوت نشود، این اعمال صفا و نورانیتی را برای قلب او به همراه می‌آورد که وی را مستعد پذیرش خواطر رحمانی و به تبع آن توفیق الهی می‌نماید و این توفیق سرعت فعلیت قوای او را بیشتر کرده و هرچه بیشتر مستعد پذیرش خواطر رحمانی می‌نماید. واضح است که هر چه خواطر رحمانی بیشتر شود انسان بیشتر به سوی اعتدال در به فعلیت رساندن قوای خود پیش می‌رود. (ملاصدرا، المبدأ والمعاد، ص ۲۰۲؛ همو، مفاتیح الغیب، صص ۱۵۸ و ۱۵۹)

ملاصدرا در جای دیگر با وامگیری از مسئله تطابق عالم صغیر و عالم کبیر همین نکته را به گونه‌ای دیگر توضیح می‌دهد. از نظر او با توجه به این که در عالم ملائکه و شیاطین وجود دارند و انسان نیز مطابق عالم کبیر است وجود او همچون گذرگاهی میان وطن فرشتگان و معدن شیاطین<sup>۱</sup> است. بر این اساس اگر همچون جدل کنندگان بر طریق اشتباه و مغالطه و یا بر طریق غفلت و رویگردانی به نشانه‌های آفاقی و انفسی بنگرد، همان نگاهی که عوام مردم اهل تقلید در عرصه اصول دینی دارند، در قوه واهمه او شبهات و وساوس ایجاد می‌شود و نفس او که در مرتبه وهم متوقف شده معدنی برای شیاطین و سپاهیان او خواهد شد (ملاصدرا، مفاتیح الغیب، ص ۱۶۳).

در مقابل اگر بر طریق عبرت‌گیری و استبصار به نشانه‌های آفاقی و انفسی بنگرد و شک و وهم از او زائل گردد معرفت و حکمت برایش حاصل می‌شود که سبب

۱- استفاده ملاصدرا از معدن به جای موطن برای شیاطین، اشاره‌ای است به ظلمت در ناحیه شیاطین که برآمده از شناخت دینی در باره شیاطین است.

می‌گردد قوه عقلی او وطن ملائکه و منبع الهامات و مبدأ علوم یقینی گردد (ملاصدرا، مفاتیح الغیب، ص ۱۶۳).

### نتیجه

در مرحله اول طی چند گام، معنای خواطر شیطانی و خواطر رحمانی تبیین شد و بر این اساس گفته شد که خاطر رحمانی پیامی است که از سوی فرشته به انسان الهام می‌شود و او را به سوی خیر که همان به فعلیت رساندن تمام قوایش تحت نظارت عقل یعنی به صورت متعادل است، سوق می‌دهد و خاطر شیطانی پیامی است به نام وسوسه که از جانب شیطان القاء می‌گردد و انسان را به سوی شر سوق می‌دهد به این معنی که سبب می‌شود انسان قوای خود را تحت نظارت وهم و به صورت غیرمتعادل به فعلیت برساند و به بخشی از قوا بیش از بخش دیگر پردازد.

پس از بررسی معنای خواطر شیطانی و خواطر رحمانی به کیفیت پذیرش آنها از سوی انسان پرداخته شد و بیان گشت که انسان برای ارتباط با شیاطین و ملائکه که مربوط به لایه‌های درونی‌تر وجود هستند، نیاز به قوای درونی‌تر و همسنگ با آنها دارد و از آنجایی که شیطان‌ها با قوه واهمه انسان سنخیت دارند نفس انسانی در مرتبه وهم توان ارتباط با آنها را پیدا می‌کند و نیز از آنجایی که ملائکه با قوه عاقله انسان سنخیت دارند نفس انسانی در مرتبه عقل با آنها ارتباط برقرار می‌کند.

بعد از تبیین چگونگی دریافت خواطر به این نکته پرداختیم که چرا عده ای خواطر شیطانی را می‌پذیرند و عده ای دیگر پذیرای خواطر رحمانی هستند؛ به عبارت دیگر عوامل دریافت نوع خاصی از خواطر توسط انسان چیست؟ در این مرحله بیان شد که این عوامل به دو دسته عوامل الهی و عوامل انسانی تقسیم می‌شوند. مقصود از عوامل الهی یکی توفیق است که باعث می‌شود انسان خواطر رحمانی را بپذیرد و دیگری

خذلان که انسان را مستعد و قابل خواطر شیطانی می‌نماید. در بخش عوامل انسانی نیز ذکر شد که مقصود از عامل انسانی همان رفتارها و اعمال فرد می‌باشد. اگر اعمال او نیکو و براساس حکم عقل باشد باعث حصول صفا و نورانیتی می‌شود که خواطر رحمانی بیشتری را دریافت می‌نماید. به عبارت دیگر اگر انسان به جنبه عالی وجود خود که همان مرتبه عقل اوست توجه کند و آن را تقویت نماید جنبه سافل او تضعیف شده و در این صورت خواطر رحمانی بیشتر و خواطر شیطانی کمتر می‌گردد و چنانکه بالعکس به مرتبه وهم خود بیشتر توجه کند این کار باعث تضعیف جنبه عالی او گشته و لذا فرد خواطر شیطانی را بیش از خواطر رحمانی دریافت می‌کند.

نکته قابل ذکر این است که مفهوم خواطر شیطانی و خواطر رحمانی را بایستی در زنجیره مفاهیم فلسفه ملاصدرا فهمید. همان گونه که ملاحظه شد تبیین معنای خواطر ارتباطی وثیق با مفاهیمی نظیر خیر و شر، قوای مدرکه، اصالت وجود و تشکیک وجود و به تبع آن ظهورات و بطون وجود در فلسفه ملاصدرا دارد. لذا فهم صحیح خواطر و اساساً هر مفهوم دیگری از دیدگاه ملاصدرا بایستی در نظام مفهومی فلسفه وی صورت گیرد بنابراین نمی‌توان مفهومی را از دیدگاه ملاصدرا جدای از دیگر مفاهیم مطروحه در فلسفه او تحلیل نمود. تلاش این مقاله نیز ارائه معنایی از خواطر رحمانی و خواطر شیطانی از دیدگاه ملاصدرا بود که در نظام مفهومی فلسفه او تحلیل شود. با اینکه سعی شد معنایی هرچه واضح‌تر از مفهوم خواطر ارائه شود لکن بر خواننده پوشیده نیست که ابهاماتی هنوز هر چند اندک وجود دارد و البته این ابهامات بعضاً ناشی از ابهاماتی است که بیان خود ملاصدرا در آثارش بدان مبتلا است؛ مثلاً ایشان در مقام تبیین فعل انسان حلقه اول مراحل شکل‌گیری فعل او را خاطر می‌داند به این معنی که اول صورت ذهنی عمل مورد نظر در انسان ایجاد می‌شود که از آن تعبیر به



خاطر می‌گردد؛ سپس این خاطر چه خیر و چه شر باعث تحریک رغبت انسان می‌شود و آنگاه این رغبت عزم و نیت بر انجام آن کار را در انسان بر می‌انگیزاند و در مرحله آخر با تأکد نیت اعضا به حرکت در آمده و فعل انجام می‌شود. براساس آن چه در متن مقاله آمده است این سوال مطرح می‌شود که عامل پذیرش خاطر چیست؟ یعنی چه امری سبب می‌شود که انسان ابتدائاً برای انجام یک فعل حسن یا قبیح، خاطر خیر یا شر پیدا کند؟ ملاصدرا در یک جا افعال انسان را زمینه ساز دریافت خواطر می‌داند و در جایی دیگر در مقام تبیین فعل، خاطر را اولین حلقه از مراحل شکل‌گیری فعل می‌داند و در اینجا سؤال درباره شکل‌گیری اولین فعل و اولین خاطر بدون جواب می‌ماند چون فعل وابسته به خاطر است و از طرف دیگر دریافت یک خاطر خاص منوط به انجام فعلی خاص از سوی انسان است که نفس او را مستعد پذیرش خاطر متناسب با آن فعل می‌نماید.

در این مقاله به معنا شناسی خواطر و بیان اجمالی کیفیت و عوامل دریافت خواطر پرداخته شد لکن هنوز سوالاتی دیگر نیز در این باره مطرح است که پاسخ به هر یک می‌تواند موضوع مقاله ای مستقل قرار گیرد از جمله:

ارتباط خواطر با مسأله قضا و قدر.

ارتباط خواطر با مسأله جبر و اختیار.

## منابع

آمدی، عبد الواحد ابن محمد تمیمی، *غررالحکم ودرر الکلم*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات،

۱۳۶۶

ابن عربی، محی الدین، *الفتوحات المکیه*، بیروت، دار صادر، بی تا

۱- شاید بتوان گفت که مقصود ملاصدرا ارتباط دو سویه فعل و خاطر در انسان است و نمی‌توان به هیچیک بی توجه بود.

- اکبری، رضا، جاودانگی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲
- اکبری، رضا، تصویر زندگی پس از مرگ در فلسفه ابن سینا، فلسفه و کلام اسلامی (مقالات و بررسی‌های سابق)، شماره ۴۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸
- الرازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق
- السهروردی، عبد القاهر عبدالله، عوارف المعارف، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۹۶۶ م
- صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، مفاتیح الغیب، تهران، انتشارات موسسه تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳
- \_\_\_\_\_، المبدأ والمعاد، تهران، انتشارات انجمن حکمت و فلسفه اسلامی، ۱۳۵۴
- \_\_\_\_\_، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، مشهد، انتشارات مرکز الجامعی للنشر، ۱۳۶۰
- \_\_\_\_\_، العرشیه، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۶۱
- \_\_\_\_\_، الحشریه، در مجموعه رسائل فلسفی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۵
- \_\_\_\_\_، الحاشیه علی الهیات الشفاء، قم، انتشارات بیدار، بی تا
- \_\_\_\_\_، اسرار الآیات، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰
- \_\_\_\_\_، الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه العقلیه، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۹۸۱ م
- \_\_\_\_\_، کسر الاصنام الجاهلیه، تهران، بنیاد حکمت صدر، ۱۳۸۱
- \_\_\_\_\_، شرح الهدایه الاثیریّه، تهران، بنیاد حکمت صدر، ۱۳۸۱
- الغزالی، ابو حامد، «قانون التأویل» فی مجموعه رسائل الامام الغزالی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ ق
- الغزالی، ابو حامد، احیاء علوم الدین، بیروت، دار الكتاب العربی، بی تا
- الکلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح و تعلیق و تحقیق علی اکبر الغفاری، طهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷